

بازنمایی ماهیت زیبایی شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث

ایمان سعیدی*؛ مربی، گروه مهندسی فضای سبز، دانشگاه ملایر
حسن دارابی؛ استادیار، گروه طراحی محیط زیست، دانشگاه تهران

دوفصلنامه تخصصی پژوهشهای میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۲۲-۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۳/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۶/۲۴

چکیده

زیبایی یکی از مفاهیم بنیادینی است که پیوسته ذهن بشر را به خود مشغول ساخته است. دانش زیبایی شناسی نیز جهت ادراک درست زیبایی شکل گرفته است. منشا این دانش به زیبایی طلبی انسان باز می‌گردد و آنچه که انسان از تغییر نگرش نسبت به این شاخه دریافت کرده است تنوع در خلق سبک‌های هنری، دیدگاه‌های فلسفی، الگوهای هندسی و سایر سلیقه‌های بشری است. در این بین قرآن کریم و روایات معصومین (ع)، به عنوان مهمترین منابع اسلامی، چارچوب ادراکی کاملی از ماهیت زیبایی شناسی را ارائه داده است. همین چارچوب منجر به خلق آثار برجسته و ماندگاری در هنر اسلامی شده است. بر این مبنا هدف پژوهش حاضر بررسی چارچوب زیبایی شناسی از دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین (ع) است. از این رو تلاش شده است تا ابتدا ماهیت زیبایی از دیدگاه قرآن بازنمایی شده و بر این مبنا چارچوبی کلی هرچند اولیه برای ادراک زیبایی تنظیم کرد. برای دستیابی به این مهم از تحلیل محتوا بهره گرفته شده است تا چارچوب مورد نظر ارایه شود. نتایج تحقیق نشان داد؛ الگوی زیبایی شناسی قرآن از ماهیتی سلسله مراتبی برخوردار است که از زیبایی‌های عینی آغاز به زیبایی‌های عینی-ذهنی و در نهایت به زیبایی ذهنی دست می‌یابد. اوج تعالی زیبایی در شناخت ذات باری تعالی است که زیبای مطلق است.

کلیدواژه‌ها: ماهیت زیبایی، زیبایی شناسی، قرآن کریم، روایات معصومین (ع).

۱- مقدمه

ادراک زیبایی توسط انسان قدمتی به اندازه آفرینش خودش دارد، اما سرگردان از درک پاسخی درخور برای این سوال ساده که «زیبایی چیست؟» بوده است، به شکلی که می‌توان این سوال ساده را از پیچیده‌ترین سوالات فلسفه بشری دانست و بیش از پنج هزار سال است که موضوع بحث فیلسوفان مختلف قرار گرفته است و به تعداد فیلسوفان جهان نیز جواب برای آن ارائه شده است (لو تیان^۱، ۱۹۹۹: ۱۸۱). همین امر از مشکل بودن تعریف زیبایی حکایت می‌کند. در یک نتیجه‌گیری کلی اکثریت عاجز از بیان تعریفی مشخص هستند و زیبایی را قابل ادراک و غیر قابل تعریف می‌دانند (هاسپرز، ۱۳۷۹: ۲۳). امانوئل کانت در تعریف خود زیبای را «آنچه که به طور عام خوشایند و بدون مفهوم است» معرفی نموده است (رفیق‌دوست، ۱۳۸۷: ۳۷)، استاد مطهری نیز معتقد است نمی‌توان تعریفی مشخص از زیبایی آورد و بر این جمله معتقد است که زیبایی «مما یدرک و لا یوصف» است. پاکباز در کتاب دایره‌المعارف هنر معتقد است اگرچه همگان با ویژگی‌های زیبایی آشنا هستند اما گمان می‌رود خود زیبایی تعریف ناپذیر باشد (پاکباز، ۱۳۸۷: ۱۲).

بحث در ارتباط با موضوع زیبایی‌شناسی در قرآن کریم نیز مبحثی دیرپا است که توسط بسیاری از محققین مورد بررسی قرار گرفته است. علامه جعفری در این زمینه مقالات و مباحث متنوعی را ارائه می‌کند که در نهایت زیبایی‌شناسی را به طیف زیبایی‌شناسی ذهنی، عینی و زیبایی دوقطبی تقسیم می‌نماید (جعفری، ۱۳۶۰: ۱۷-۱۶). آقای خرقانی معتقد است که قرآن کریم حاوی مفاهیمی زیباشناسانه است و خود قرآن کریم نمونه بارز این زیبایی است (خرقانی، ۱۳۸۸: ۷۸-۶۸). در ادامه ایشان مفاهیم زیبایی‌شناسی ذهنی و عینی را مورد بحث قرار می‌دهد. ایازی به بررسی عوامل تاثیرگذار در زیبایی‌شناسی قرآن کریم پرداخته است و عقیده بر زیبایی ذات قرآن کریم دارد که مبتنی بر ساختار هندسی و هماهنگی لفظی و معنایی است. (ایازی، ۱۳۸۵). افشار نیز بر همین منوال به بازشناسی زیبایی‌شناسی در ذات قرآن کریم پرداخته است و در جز سی ام آنرا تحلیل کرده است (افشار، ۱۳۸۹). بلخاری موضوع زیبایی‌شناسی را بر مبنای حسن و قدر بررسی کرده است و با تاکید بر صفات جمال و همچنین قابلیت تجلی زیبایی هندسه در عالم خیال و مثال و عالم واقع ابعاد زیبایی

شناسی را مبتنی بر آیات قرآن کریم بررسی کرده است (بلخاری، ۱۳۸۵). هاشم نژاد و نعمتی موضوع زیبایی‌شناسی از نظر صدرالمتالهین را مورد بررسی قرار داده و اعتقاد دارد که منشأ هنر مظهر برخی اسم‌های حق تعالی است. انسان‌ها می‌توانند با ارتباط با عالم خیال که مبدأ قریب همه آثار هنری است، عالم خیال منفصل را در قالب‌های هنری بریزند (هاشم نژاد و نعمتی، ۱۳۹۰). واردی به بررسی آرای شیخ الرئیس ابو علی سینا در مورد زیبایی‌شناسی پرداخته است (واردی، ۱۳۸۶). سیدی و خلف نیز موضوع زیبایی‌شناسی هنرهای تصویر در قرآن کریم را بحث کرده‌اند و معتقدند که قرآن کریم سرشار از جلوه‌هایی زیباست؛ که بازتابی است از جمال خالق. این زیبایی‌ها ضمن برانگیختن احساسات و عواطف آدمی، وی را نیز به تکاپو وا دارد. این موضوع در سوره فصلت مورد بحث عمیق قرار گرفته است (سیدی و خلف، ۱۳۹۲).

در ارتباط با ماهیت زیبایی‌شناسی، نگارندگان بر این فرض هستند که آموزه‌های این کتاب آسمانی با نظامی خاص طرح گردیده است که هدایت‌گر ذهن بشر در این عرصه می‌شود. بر این مبنا هدف پژوهش حاضر بررسی چارچوب زیبایی‌شناسی از دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین است و در پی پاسخ به این سوال است: ماهیت زیبایی‌شناسی از دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین (ع) چگونه است؟ و آیا می‌توان، با کمک از این منابع، مدلی ادراکی از زیبایی تنظیم کرد؟

در راستای پاسخ به سوال مطرح شده، قالب کلی پژوهش به شکل توصیفی-تحلیلی است. این مطالعه بنابر ماهیت خود اسنادی است که برای انجام آن از تحلیل محتوا بهره گرفته شده است. گامهای این تحقیق به شرح زیر بوده است:

ابتدا اقدام به واژه‌شناسی مرتبط شده است. در این ارتباط قرآن کریم به عنوان منبع اصلی مدنظر بوده است. لذا واژگان نهایی که مورد استفاده قرار گرفت عبارت بود از: «جمال»، «جمیل»، «زین»، «احسن» و «حسن». در گام دوم این واژگان در قرآن کریم جستجو شد، در این راستا اقدام به غربالگری آیات شد. برخی آیات با معنای استفاده شده در تحقیق همگن نبود. لذا کنار گذاشته شد. نمونه آنها را می‌توان به واژگانی مانند «محسنین» یا «موازین» به ترتیب در آیه ۱۲۵ سوره نساء و همچنین سوره اعراف آیه ۹ یا واژه «معجزین» در سوره‌های شورا و نور آیات ۳۱ و ۵۷ اشاره کرد. در گام بعد برداشت از آیه ارایه شد. در ادامه به جستجوی احادیث مرتبط اقدام گردید. در این مرحله با توجه به تعداد و حجم بالای احادیث به نمونه‌های مرتبط اکتفا شد. در نهایت مفهوم مابه

ازای زیباشناسی استخراج شد و تحلیل‌های نهایی مبتنی بر این چارچوب ارایه شد. به صورت همزمان چارچوب زیبایی‌شناسی در ادبیات علمی نیز جستجو و مروری مختصر (در چارچوب محدودیت‌های مقاله) صورت گرفت تا چارچوب متعارف زیبایی‌شناسی علمی نیز استخراج شده باشد. در نهایت دیدگاه قرآن در ارتباط با ماهیت و الگوی ادراک زیبایی مطرح شد و با واکاوی دیدگاه این کتاب مقدس نتیجه‌گیری ارائه شد.

۲- تحول زیبایی‌شناسی در طول تاریخ

از آغاز تفکر بشر، زیبایی‌شناسی یکی از موضوعات تحقیق و بررسی فلسفی بوده است و همچنان به عنوان موضوعی تحقیقی از سوی برخی از بهترین مغزهای تاریخ بشر مورد توجه قرار می‌گیرد. فیلسوفان، به عنوان افرادی که دارای مهارت‌های تحلیلی و ادراکی قوی هستند، در بهترین جایگاه برای پاسخگویی به این سوال می‌باشند؛ اما آنها تا چه حدی ساختارهای همه‌جانبه زیبایی‌شناسی را ایجاد کرده‌اند؟ هرچند واژه زیبایی‌شناسی در قرن ۱۸ و توسط بومگراتن، برای اولین بار به کار برده شد، اما مفاهیم مربوط به چیستی زیبایی از زمان سقراط (۳۹۹-۴۶۹ ق م) تا امروزه مورد بحث فلاسفه و نظریه‌پردازان غربی است (ترنر، ۲۰۰۵: ۵۳). فیلسوفان یونانی-رومی همگی زیبایی‌شناسی را ویژگی فیزیکی و عینی در نظر می‌گرفتند. سقراط معتقد بود تجربه زیبایی بر شیوه درست زندگی تاثیرگذار است، لذا پیشنهاد داد بهتر است جوانان در محیطی زیبا زندگی کنند (لوتیان، ۱۹۹۹: ۱۸۱). فیلسوفان مسیحی زیبایی را تجلی ذات الهی می‌دانستند (پورتوس، ۱۳۹۱: ۴۵)؛ بنابراین، همانند افلاطون، آن را در دسته صفات محض قرار دادند. رنسانس زمینه ظهوری مجدد برای وجوه زیبایی‌شناسی کلاسیک یونانی-رومی پدید آورد. چنین شرایطی دیدگاه‌های زیبایی‌شناسی عینیت-گرا را تقویت کرد. زیبایی‌شناسی مدرن پس از پایان قرن هفدهم در بریتانیا و آلمان قوت گرفت. در بریتانیا جان لاک معتقد بود زیبایی می‌تواند به گونه‌ای عینی در اشیائی که کیفیات اولیه خود را دارا می‌باشند، وجود داشته باشد اما زمانی که زیبایی در کیفیات ثانوی آشکار شود، در این صورت تبدیل به ماهیتی ذهنی خواهد شد (هاملین^۱، ۱۹۸۷: ۱۷۲). فیلسوف آلمانی امانول کانت معتقد بود ویژگی شیئی در ذهنی که آن را مورد قضاوت قرار می‌دهد وجود دارد، نه در شیئی

(احمدی، ۱۳۷۵: ۱۳۰). او زیبایی طبیعت را به عنوان سرچشمه زیبایی‌ها معرفی نمود. در مقابل هگل ذهنی‌گرایی کانت را به عنوان اساس زیبایی رد کرد. رمانتیک‌گرایی قرن ۱۹ بر احساس، عاطفه، رنگ و فرم مورد علاقه، نوآوری، تمایل بر بی‌نظمی و بی‌قاعدگی و تاکید بر عقائد فردی استوار است (راسل^۱، ۱۹۶۱: ۶۵۳). ژان ژاک روسو فیلسوف رمانتیک‌گرای سوئیسی بود که احساساتش نسبت به طبیعت تأثیری عمیق بر تفکر اروپایی داشت که با پیوند با طبیعت بکر قابل درک است. عقیده بر آن است پیروان مکتب رمانتیک در نگرش خود نسبت به طبیعت، عینی‌گرا بودند. آنها از طبیعت وحشی لذت می‌برند. طوفان‌های سهمگین، پر تگاه‌های هراسناک، جنگل‌های بکر، تندبادها و به طور کلی چیزهایی که بی‌فایده، مخرب و وحشیانه هستند، در دیدگاه رمانتیک مورد احترام قرار می‌گرفتند.

از قرن ۱۹ تا دوره معاصر بحث درباره زیبایی‌شناسی در فلسفه از رونق افتاد و در علوم جزء بیشتر به آن پرداخته شد. با این حال رویکرد ذهنیت‌گرایی که توسط کانت معرفی شد، به طور پایدار در این دوره طرفدار داشت. تفکرات موجود در نهایت به دو رویکرد منفک و یک رویکرد ترکیبی رسیده است که بر عینت‌گرایی، ذهنیت‌گرایی و رویکرد ترکیبی تاکید می‌کند.

۳- قرآن کریم و مفهوم زیبایی‌شناسی

قرآن کریم کتابی است که برای هدایت بشر از سوی خداوند بر پیامبرش نازل شده است تا تمامی حقایق عالم را توسط آن برای انسان بیان نماید؛ از این رو خداوند در آیه ۸۲ سوره نحل می‌فرماید: «و بر تو این کتاب را نازل کردیم که روشنگر هر چیز است.» بر این اساس مفاهیم بسیاری که نقش عمده‌ای در تصحیح نگرش فکری بشر دارد، در قرآن ذکر شده است. یکی از مفاهیمی که در قرآن، آیات فراوانی بدان اختصاص یافته، مفهوم زیبایی است: «ما آنچه در زمین جلوه گر است زینت و آرایش ملک زمین قرار دادیم تا مردم را به آن امتحان کنیم که کدام یک در طاعت و حب خدا عملشان نیکوتر خواهد بود» (کهف/۷). در مجموع ۴۷ بار واژه «زیبا کردن» و «آراستن» در قرآن کریم ذکر شده است. واژه «جمال» ۲ بار، واژه «جمیل» ۷ بار استفاده شده است. واژه «احسن» ۵۳ بار بکار رفته و بالاخره واژه «حسن» ۱۱۳ بار آمده است که در معانی متفاوتی بکار رفته است؛ بنابراین قرآن کریم به عنوان یک منبع زیبایی‌شناسی، جای مطالعات گسترده دارد و از خلال آن می

توان به معیارهای استوار در باب زیبایی‌شناسی دست یافت. پدیده‌های زیبایی‌شناختی، نشانه‌های زیبایی، اصل زیبایی در نظام آفرینش، منشاء زیبایی‌ها، نسبی یا مطلق بودن زیبایی، سلسله مراتب زیبایی، زیبایی دوستی، نقش‌ها و کارکردهای زیبایی از جمله اموری است که می‌توان به مطالعه آن در قرآن کریم پرداخت.

۳-۱- مبدا و منشاء زیبایی‌ها از نظر قرآن

آیات قرآن که با احادیث و روایات فراوان تأکید شده است، نشان می‌دهد که خداوند منشاء و منبع همه زیبایی‌هاست و همه اجزاء جهان آفرینش را به جمال منتهی زینت داده است. به عنوان نمونه در آیه ۷ در سوره سجده آمده است: «او همان کسی است که هر چه را آفرید، زیبا آفرید»، بنابراین هر چه خداوند آفریده، اعم از مادی و مجرد، به زیبایی خلق شده‌اند. آیات فراوان دیگری نیز در قرآن کریم آمده است که منشاء همه جلوه‌های زیبایی را به ذات پاک خداوند نسبت می‌دهد (نور/۲۵؛ بقره/۱۱۵؛ حشر/۲۴). روایات زیادی از معصومین هم این آیات را تفسیر می‌کنند. پیامبر در سخنی می‌فرماید: «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۴۳۸). فیلسوفان اسلامی نیز، به تبعیت از قرآن و روایات، منشأ زیبایی را، زیبایی مطلق (خداوند متعال) می‌دانند و همه زیبایی‌های موجود در این جهان را تجلی و سایه زیبایی حق تعالی می‌دانند. صدرالمآلهین شیرازی می‌فرماید: هر زیبایی و کمالی، پرتوی از زیبایی و کمال خداوند است (صدرالمآلهین، ۱۳۶۳: ۸۷). چنین تفکری مختص فلاسفه مسلمان نیست و در تمامی اندیشه‌های عمیق جهان ریشه دارد. تئوری زیبایی‌شناسی افلاطون، آگوستین، آکویناس، کانت و هگل نیز منشاء همه زیبایی‌ها را خداوند می‌دانند. به عنوان نمونه فردریش هگل می‌گوید: «مضمون این جهان زیبایی است، زیبایی راستین، روحیت شکل یافته، یعنی آرمان، به عبارت دقیق‌تر، روح مطلق است، خود حقیقت است. می‌توان گفت که این قلمرو حقیقت خدایی است که هنرمندانه به منظور احساس نگرش، تجسم یافته است. کانون تمام جهان، هنری است که چنان شکل یافتگی مستقل، آزاد و خدایی است که جنبه بیرونی شکل و مصالح را کاملاً جذب کرده و آن را تنها چونان تجلی خود آن‌ها افاده می‌کند» (هگل، ۱۳۶۳: ۲۳). با مبنا قرار دادن توضیحات فوق‌الذکر، می‌توان نتیجه‌گیری کرد؛ خداوند بالاترین مرتبه زیبایی و زیبایی مطلق است همه زیبایی‌ها از اوست و تجلی ذات زیبای اوست. در نتیجه بهترین راهی که ما را به سوی معبود رهنمون می‌سازد، مسیر زیبایی‌هاست و خداوند انسان را به کرات بدین مسیر فراخوانده است.

۳-۲- ماهیت زیبایی از دیدگاه قرآن

ماهیت عینی یا ذهنی بودن زیبایی‌ها از دیدگاه قرآن از مباحث مهم و پایه‌ای است که خود می‌تواند معیار سنجشی برای استناد به این منبع باارزش باشد. آیات نورانی قرآن کریم، توصیفات زیبایی شناسی بسیاری ارایه می‌کند که در طیفی لطیف از زیبایی‌های ظاهر و عینی به سمت زیبایی‌های باطن و ذهنی نظم دهی شده‌اند. با در نظر گرفتن تمامی آیات مذکور و سنجش کیفیت و ارزش زیبایی در هر کدام، سه مرتبه اصلی برای ماهیت زیبایی می‌توان متصور شد. در کنار این سه مرتبه زیبایی، زیانماهایی نیز وارد شده است که مکرر قرآن کریم به آن اشاره شده است و آن عبارت است از زیبایی‌هایی که در عمل زیبایی نیست و نازیبایی است. این نازیبایی‌ها به سبب عوامل متعدد زیبا جلوه می‌کند. در این میان شیطان نقش کلیدی را ایفا می‌کند. آنچنان که می‌فرماید: «فزين لهم الشيطان» (انعام/۴۳؛ نمل/۲۴؛ عنکبوت/۲۸؛ نحل/۶۳).

بسیاری از آیات قرآن به توصیف زیبایی‌های سراسر آفرینش پرداخته است. اسلوب قرآن در توصیف این زیبایی‌ها بیان حقایقی درباره آن است. این کیفیت‌های زیبایی شناسی توسط چشم انسان قابل درک است و اولین مرتبه زیبایی را پدید می‌آورد. این زیبایی، بر مبنای آیات نورانی قرآن کریم، به مخلوق تعلق می‌گیرد و نشانه‌ای از قدرت آفریدگار در خلق جهان هستی است. توصیفات عینی قرآن کریم زیبایی‌های جهان فانی مانند کوه‌ها (نحل/۱۳)، آسمان و ستارگان (صافات/۶)، باغ-ها (نمل/۶۰؛ کهف/۳۲؛ نحل/۴۴)، میوه‌های رنگارنگ (نحل/۱۳؛ سباء/۱۵)، چشمه‌ها (نمل/۶۰؛ عنکبوت/۶۳) و توصیفات عینی از بهشت اخروی مانند درختان انبوه و خرم (الرحمن/۴۸ و ۶۴) که چشمه‌ها و رودهای جاری (توبه/۷۲؛ نحل/۳۱؛ الرحمن/۶۶) و تختها و قصرهای زیبای بهشتیان (انسان/۱۳) همچنین تزئینات، تجملات و لباس‌های خوش رنگ، لطیف و زیبا (الرحمن/۷۶ و ۷۷) و حوریان زیبای بهشتی (الرحمن/۷۲) را شامل می‌شود.

زیبایی در همه لایه‌های هستی وجود دارد اما دیدن زیبایی‌های متجلی از خدا چشمی زیبا بین می‌خواهد. زیبایی ذهنی مبتنی بر فرآیند تعالی قرار دارد که مرتبه‌ای بالاتر از زیبایی عینی است. لذا محدوده عملکرد آن فراتر از زیبایی بصری می‌باشد. بدیهی است که درک زیبایی الهی مستلزم ادراکی قوی از تعالی است که بسیار فراتر از اندیشه زیبایی بصریست. به همین دلیل نیز به آن مرتبه-ای بالاتر از زیبایی عینی می‌بخشد. زیبایی متعالی را می‌توان حد نهایت زیبایی‌های ذهنی دانست. پس به هر میزان افراد به سمت تعالی گام بردارند برداشتی متفاوت‌تر از زیبایی خواهند داشت. لذا به

صراحت در قرآن از تجلی خدا در سوره فصلت سخن به میان می‌آید. در تداوم این درجه، ابزارهای دریافت زیبایی از بینایی فراتر می‌رود (یس/۹؛ اعراف/۱۷۹). اگر کسی فاقد ذهنیت درست برای ادراک زیبایی باشد، زیبایی‌های متجلی از خدا را نمی‌بیند. به عنوان مثال قرآن کریم در سوره فصلت، آیه ۴۴ کسانی را مثال می‌زند که به قرآن کریم ایراد عربی بودن می‌گیرند، مشکل اینها نبود نور ایمان در دلشان است و به همین خاطر گوششان سنگین است و رهنمودهای قرآن برایشان نامفهوم است. همچنین اشارات قرآنی *فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ* (یس/۹)، *لَا يَسْمَعُونَ* (الاعراف/۱۷۹)، *لَا يُبْصِرُونَ* (الاعراف، ۱۷۹) و ... به نبود ذهنیت در ادراک زیبایی‌ها تأکید دارد.

اصول زیبایی ذهنیت‌گرا منجر به زیبا شدن محیط‌های با کالبد زشت و برعکس در دیدگان ناظر می‌نماید. به نظر می‌رسد، زشتی مبتنی بر دوری از فرآیند تعالی است. لذا شیطان وقتی از مسیر تعالی دوری می‌جوید رانده شده است و مظهر تمام آلائش‌ها و زشتی می‌گردد. اساسا شکل‌گیری وجود شیطان را می‌توان شاخصی در مقابل زیبایی دانست. زیبایی کمال است. هر آنگاه کمال به وقوع می‌پیوندد خدا آن‌را تایید کرده و شیطان آنرا رد می‌کند. نمونه بارز آن داستان قربانی کردن اسماعیل و تلاش شیطان برای ممانعت است.

به هر تقدیر قرآن کریم برخی اصول ذهنی را برای ادراک عمیق زیبایی‌های جهان آفرینش ارائه داده است. تعالی، زیبایی مطلق است و چیزی فراتر از آن نیست. بر همین اساس نیز این اصول مقدمه دریافت و شهود است و منشاء شور ناشی از دریافتی که انسان را به وجد می‌آورد؛ اما این زیبایی نیاز به ادراک عمیق دارد و دستیابی بدان مستلزم دستیابی به اصولی بنیادین است. اعمال مختلف در قالب فرمها و اعداد مقدس مانند هفت و چهل همه در این راستاست. در حقیقت ذات پاک الهی معنوی خدایی را با هنری مادی در هم می‌آمیزد تا محیط ایجاد شده سرشار از قداست و طهارت معنوی و جلوگاه والاترین دلبستگی‌های انسانی باشد.

کیفیت سوم ماهیت زیبایی عینی - ذهنی است. منظور از زیبایی عینی - ذهنی، کیفیتی خاص از تجربیات زیبایی‌شناسی است که آمیزه‌ای از زیبایی‌های ظاهری و ذهنیت دریافت‌کننده است؛ بنابراین می‌توان چنین تجربه زیبایی‌شناسی را نسبی دانست. در سوره بقره، آیه ۶۹، خداوند این کیفیت زیبایی‌شناسی را برای گاوی که دستور قربانی کردنش را به بنی اسرائیل داد ارائه نمود: «گفتند: از پروردگارت بخواه تا بر ما روشن کند که رنگش چگونه است؟ گفت: وی می‌فرماید: آن ماده گاوی است زرد یکدست و خالص که رنگش بینندگان را شاد می‌کند.» در این آیه بعد عینی و

ذهنی رنگ گاو با هم در نظر گرفته شده است. رنگ زرد زیبا، از سویی خود به گونه‌ای است که شادی برانگیز است از سوی دیگر نیازمند بیننده‌ای است که آن را نظاره کند (خرقانی، ۸۸: ۷۳). در سوره حجر، آیه ۱۶ نیز وقتی خداوند به توصیف زیبایی‌های آسمان و ستارگان می‌پردازد، به نقش نظاره‌گر نیز اشاره می‌کند و آن را مورد تاکید قرار می‌دهد: «و به یقین، ما در آسمان بُرجهایی قرار دادیم و آن را برای تماشاگران آراستیم.» همانگونه که مشخص است، تصور چنین ماهیتی برای زیبایی‌شناسی تلفیقی از عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی می‌باشد. در این رویکرد زیبایی حقیقتی وابسته به هر دو قطب درون‌ذاتی و برون‌ذاتی است.

در مقابل زیبایی‌های مطرح شده، دسته‌ای از اشارات حق تعالی زیانماهای است که در دیدگان برخی، زیبا جلوه می‌کنند. این نازیبایی‌ها در عینیت خود زیبا هستند؛ اما ماهیت رفتاری و نحوه برخورد با آنان، سبب نازیبایی شده است. قرآن کریم به بیان مواردی از دل‌بستگی‌های آدمی پرداخته است. در سوره آل عمران، آیه ۱۴ خداوند برخی از این موارد را برمی‌شمرد: «دوستی خواستی‌ها(ی گوناگون) از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دامها و کشتزار(ها) برای مردم آراسته شده، (لیکن) این جمله، مایه تمتع زندگی دنیاست و (حال آنکه) فرجام نیکو نزد خداست». قرآن کریم در آیه ۳۹، سوره حجر به منشاء این نازیبایی‌ها اشاره کرده است: «(شیطان) گفت: پروردگارا، به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، من (هم گناهانشان را) در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت». همین مضمون در آیه‌های دیگری از قرآن کریم نیز دیده می‌شود: «سوگند به خدا که به سوی امت‌های پیش از تو (رسولانی) فرستادیم (اما) شیطان اعمالشان را برایشان آراست و امروز (هم) سرپرستشان اوست و برایشان عذابی دردناک است» (نحل/۶۳). «پس چرا هنگامی که عذاب ما به آنان رسید تضرع نکردند ولی (حقیقت این است که) دل‌هایشان سخت شده و شیطان آنچه را انجام می‌دادند برایشان آراسته است» (انعام/۴۳).

این تهدید شیطان که آن را جامه عمل نیز پوشانده است برای منحرف نمودن انسان از زیبایی حقیقی و معنویت است تا انسان به زیبای مطلق؛ یعنی خدا نرسد. نوع برخورد با این ابعاد موید آن است که: الف) این موارد در بردارنده نازیبایی ذاتی نیستند، بلکه به ذات خود زیبا هستند. ب) نوع مواجهه با این موارد است که آنها را نازیبا می‌سازد. ج) در آیات دیگری اشاره می‌کند که این موارد برای تمتع شما آفریده شده است؛ اما نوع برخورد می‌تواند آنها را تبدیل به ابزاری شیطانی به عبارت دیگر نازیبا سازد. آرایش شیطانی در مقابل آرایش الهی قرار می‌گیرد که اولی سقوط است و دومی

کمال و تعالی. پس زیبایی واقعی را می‌توان با این تفاوت بازشناخت و زیبایی عینی سطحی، کم عمق و گذرا و مقدمه‌ای بر زیبایی ذهنی است. کسی که به ادراک دست یافت زیبایی بسیار عمیق تر و وسیع تر و بسیار فراتر از زیبایی عینی را در می‌یابد که در مقابل آن همه نمادها و ارزشهای عینی کم ارزش جلوه می‌کنند.

بازنمایی چنین کیفیت زیبایی‌شناسی در قرآن اشاره مستقیم و نهی زیبایی‌هایی است که انسان را به گناه آلوده می‌کند. از این رو هنری که گناه و باطل را منتشر کند به دور از هنر الهی است؛ بنابراین همه جلوه‌های زیبایی عینی، در صورتی که تحت تاثیر تسویلات نفس و تزئینات شیطان قرار گیرند به نازیبایی‌ها بدل خواهند شد و زمینه‌ساز گمراهی انسان را پدید خواهند آورد. خداوند منشاء و مبدا همه زیبایی‌ها است (نور/۲۵، بقره/۱۱۵؛ حشر/۲۴) و پرتو نور الهی از طریق خداوند به زیبایی‌های عینی تأیید می‌شود (نور/۳۵؛ بقره/۲۵۷؛ مائده/۱۵؛ توبه/۳۲؛ ابراهیم/۵) و بالاتر آن، در مرتبه بالاتری از زیبایی، زیبایی‌های عینی - ذهنی قرار می‌گیرند (حجر/۱۶؛ زخرف/۷۱). در بالاترین حد زیبایی، زیبایی ذهنی جای می‌گیرد، حال آنکه همان کیفیت‌های زیبایی عینی تحت تاثیر وسوسه‌های شیطانی می‌توانند بدل به نازیبایی‌هایی شوند که انسان را از صراط مستقیم خارج سازند (نحل/۶۳؛ آل عمران/۱۴؛ انعام/۴۳؛ حجر/۳۹). با در نظر گرفتن چنین ساختار سلسله‌مراتبی از زیبایی می‌توان حد‌اعلای کیفیت‌های زیبایی را در سطح زیبایی‌های ذهنی و عینی - ذهنی جستجو نمود؛ به عبارت دیگر حد‌اعلای زیبایی اگر چه صرفاً ذهنی است و ادراکی، اما برای آدمی کیفیت‌های زیبایی عینی و ذهنی لازم و ملزوم همدیگر می‌باشند و به صورت مکمل هم عمل می‌کنند؛ بنابراین می‌توان از زیبایی عینی بهره گرفت و به ادراک رسید. پس عینیت ابزاری است برای نیل به ذهنیت پاک.

از طرف دیگر زیبایی‌های عینی، در صورت نبود ذهنیت زیبا و تحت تاثیر وسوسه‌های نفس، می‌تواند به نازیبایی بدل شوند. از بیان این جمله می‌توان نتیجه‌گیری کرد که زیبایی عینی به تنهایی نمی‌تواند بدون وجود زیبایی ذهنی تجربه زیبایی‌شناسی کاملی برای ناظر پدید آورد.

۳-۳- الگوی ادراک زیبایی از دیدگاه قرآن کریم

با مذاقه در آیات فوق‌الذکر، تجزیه تحلیل جمعی و سنجش ابعاد مختلف آنها و با علم به وجود زیبایی مطلق خداوند متعال می‌توان به جمع بندی از الگوی زیبایی‌شناسی از دیدگاه قرآن دست یافت. مبنای این الگوی ادراکی بر این اصل استوار است که پیش زمینه‌های ذهنی و حالات روحی

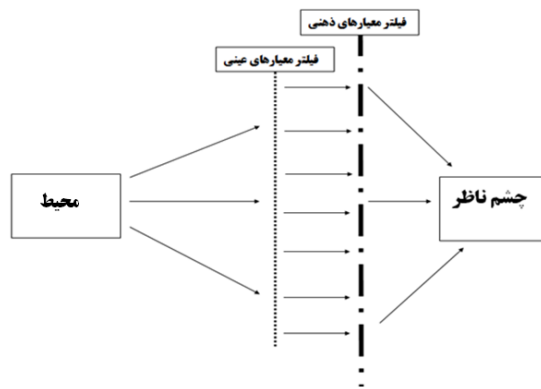
نظاره‌گر، مانند خاطرات و دیگر فاکتورهای تاثیرگذار بر ذهنیت انسان، بستری ذهنی برای ادراک زیبایی‌ها فراهم می‌کند که در این بستر شرایط برای ادراک پدیده‌های طبیعی و ماهیت کالبدی آن فراهم است؛ به عبارت دیگر ذهنیت و پیش‌زمینه‌های ذهنی موجود در ارتباط با محیط همچون بستری می‌باشند که زیبایی‌های مادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و کیفیت‌های زیبایی‌شناسی را در دیدگان ناظر شکل می‌دهد. شکل ۱ این مطلب را به شکل گرافیکی نشان می‌دهد.



شکل ۱: رابطه بین پیش‌زمینه‌های ذهنی و کیفیت‌های عینی زیبایی (ماخذ: نگارندگان)

با بیان چنین الگویی می‌توان بیان نمود؛ محیط‌ها و مناظر مخلوق خداوند در چشمانی که آکنده از ذهنیت الهی هستند، بیشترین تاثیر خود بر هدایت بشر و حرکت به سوی قرب الهی خواهند داشت. به طور کلی چنین مدل ادراکی را می‌توان به طور خلاصه در این جمله خلاصه کرد: «اجسام عینی در فضای تفکر ذهنی». با بسط این جمله می‌توان به مدلی تلفیقی دست یافت. در حقیقت دیدگان ناظر جهت ادراک زیبایی با دو فیلتر در روبه روی خود مواجه است. فیلتر اول عینیت است که حاصل تشکیل تصویر در چشم و کامل عینی است؛ اما در مراحل دیگر تصویر پردازش می‌شود. در این مراحل ذهنیت تاثیرگذار است. به بیان دیگر انسان طالب زیبایی است. زیبایی دارای مراتب و مراحل است که ادراک آن نیازمند ابزار است. بخش اول آن ابزاری است که قابلیت ادراک عینیت را دارند. بخش دوم مستلزم ابزار پردازش است. این پردازش در ذهن انجام می‌شود. نظام پردازش ذهنی تنها از یک متغیر اثر نمی‌پذیرد بلکه از فرهنگ، خلق و خوی، دیدگاه خداشناسی، شرایط اجتماعی، خاطرات، توصیفات، شرایط اقتصادی و جمعیت‌شناسی تاثیر پذیر است. برآیند مجموع این عوامل منجر به ادراک نهایی شده و مبتنی بر آن ادراک زیبایی‌شناسی صورت می‌گیرد. از سوی دیگر عامل تعیین‌کننده سوم کیفیت‌های فیزیکی و بصری است. این شرایط محیط ذهنی را

آماده می‌کند که در آن محیط اشخاص زیبایی را ادراک می‌کنند. درون چنین محیطی فرد شیئی را در قالب الگوی عینی می‌بیند اما در واقعیت سلايق آنها تحت تاثیر محیط ذهنی شکل می‌گیرد. از نظر فرد زیبایی از طریق حس دیداری درک می‌شود اما درک حس رضایت از این زیبایی تحت تاثیر متغیرهایی است که در محیط ذهنی وجود دارند.



شکل شماره ۲: رابطه زمینه‌های ذهنی و عینی برای ادراک زیبایی (ماخذ: نگارندگان)

۴- جمع بندی و نتیجه گیری

زیبایی‌های جهان آفرینش ودیعه‌ای نهاده از خالق زیبای هاست. چمنزارهای وسیع، درختان انبوه، رودهای خروشان، آواز بلبلان بیشه‌زار، رقص آشفته ماهیان در آب، نسیم معطری که از پس نیزار می‌وزد، آشکارا فریاد می‌زند که هنوز خداوند به انسان امید دارد و پیوسته نشانه‌های خود را برای هدایت به سویش می‌فرستد. زیبایی‌های این جهان انعکاسی از زیبایی‌های ذات پاک الهی است که با شناخت درست آن می‌توان بینش و جهان‌بینی خود را به سمت مفاهیم و آموزه‌های ناب الهی تغییر داد. تاریخچه مطالعات زیبایی شناسی نشان می‌دهد که نظریه پردازان چهارچوب متنوع و گوناگونی را پیشنهاد داده‌اند که هر کدام مبتنی بر ماهیت تفکر فلسفی حاکم بر آن است. به همین دلیل نیز هر نگرش بخشی از واقعیت را استنتاج و ارایه کرده است. این درحالی است که در نگرش اسلامی قرآن پیامی الهی است که از هر حیث کامل و جامع است. براین مبنا نیز چارچوب زیبایی شناسی ارایه شده در آن بی‌کم و کاست و کامل است. از اینرو استنتاج چارچوب زیبایی شناسی می‌تواند نقش اثر گذاری در کیفیت این کار داشته باشد؛ اما این مهم مشروط به ارایه چارچوب کامل زیباشناختی است. این چارچوب همانگونه که آمد مبتنی بر سلسله مراتبی است که بر مبنای تفکر

علامه جعفری دو قطبی بوده، قطب اول آن بر مبنای عینیت است که توسط حواس پنج گانه دریافت می شود و مقدمه زیباشناسی است و در انتهای دیگر آن ذهنیت قرار دارد که تعالی حد نهایت آن است که به ذات اقدس الهی منتهی خواهد شد. در این میان مراتبی وجود دارد. هر مرتبه از مشخصاتی برخوردار است. این ویژگی تفکر زیبایی شناسی مبتنی بر قرآن کریم را، از سایر تفکرات زیباشناسی مبتنی بر فلسفه غربی متمایز می سازد. در این مقاله از منابع اصلی دین مبین اسلام (قرآن و حدیث) برای استخراج چهارچوب ماهیتی و ادراک زیبایی استفاده شد و نتایج زیر بدست آمد:

بر مبنای آیات و روایات زیبایی مطلق و منشاء تمام زیبایی ها خداوند است؛ بنابراین آنچه در این جهان حسن و جمال نامیده می شود، کیفیتی ملکوتی دارد، یعنی پیرو سنت لایتغیر الهی است.

۱- زیبایی های جهان آفرینش از نظر ماهیت سه دسته هستند که با در نظر گرفتن نازیبایی ها به چهار دسته قابل تقسیم است:

- زیبایی های عینی: آن دسته از کیفیت های زیبایی که با چشم دیده می شوند.
- زیبایی های عینی-ذهنی: زیبایی هایی که هم دارای کالبد زیبا هستند و هم ذهنیت زیبا.
- زیبایی ذهنی: حد نهایی زیبایی است که بر آن مراتبی متصور است. حد نهایی آن زیبایی مطلق است. روح خدا در انسان دمیده شده است، پس انسان قابلیت ادراک حد نهایی زیبایی را دارد.
- زیبایی های نازیبا: هرچند نمی توان این کیفیت ادراک را «زیبا» نامید ولی بدلیل منشا خود (زیبایی مطلق) به ذاته زیبا هستند، اما نوع مواجه آنها را تبدیل به نازیبایی می کند.
- ۲- منشاء نازیبایی ها شیطان و نفس است که منجر به دلفریب شدن نازیبایی ها می شود.
- ۳- از قرآن کریم و روایات معصومین می توان فرآیند ادراک زیبایی ها را استخراج کرد.
- ۴- چارچوب ظاهری زیباشناسی علمی با چارچوب زیباشناسی مبتنی بر قرآن کریم هماهنگ است؛ اما تفاوت بنیادین در نحو تحلیل مراتب زیبایی وجود دارد. در چارچوب زیبایی شناسی قرآن کریم زیبایی مطلق حکم فرماست درحالی که در زیبایی شناسی علمی ساختار متاثر از مکاتب فکری- عقیدتی تعیین کننده اند. ضمن اینکه این مکاتب حد نهایی را ترکیب زیبایی عینی-ذهنی تعیین کرده اند.

۵- مکاتب فکری زیبایی‌شناسی غرب بر پایه کارکردی شکل گرفته‌اند که زیباشناسی را در کارکرد طبیعی جستجو می‌کنند. به همین دلیل مجموع تفکرات زیباشناسی علمی جامعیت زیباشناسی اسلامی و مراتب آنرا ندارد.

مسئله این تحقیق نمی‌تواند بزرگی و عظمت دیدگاه‌های زیبایی‌شناسی قرآن و امامان معصوم (ع) را در ارتباط با موضوع تحقیق را بیان کند و نوشتار ارائه شده از این نظر خرد و قلیل است. روشن است که آدمی در نیل به معارف و درک حقایق قرآن با هم تفاوت دارند و هر کس به تناسب توان و ظرفیت خود از این اقیانوس بیکران سیرآب می‌شود.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۷۵). *حقیقت زیبایی*. نشر مرکز تهران.
- افشار، بهروز (۱۳۸۹). *زیبایی‌شناسی در جزء سی ام قرآن کریم*. فصلنامه مطالعات قرآنی، (۳)، ۳۱-۵۵.
- ایازی، محمد علی (۱۳۸۵). *اصول و مبانی زیبایی‌شناسی قرآن کریم*. پژوهش‌نامه علمی تخصصی قرآن و حدیث، (۱) ۸۵-۹۳.
- بلخاری، حسن (۱۳۸۵). *بنیان‌های نظری زیبایی‌شناسی اسلام در قرآن کریم*. هنر و معماری، (۷۰)، ۱۶۴-۱۷۱.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۷). *دایره‌المعارف هنر*. فرهنگ معاصر.
- پورتوس، داگلاس جی (۱۳۹۱). *زیبایی‌شناسی محیط زیست و معماری منظر*. ترجمه لیلا آقاداتاشی، سبزآرنگ.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۶۰). *زیبایی‌شناسی: تحلیل مساله زیبایی‌شناسی*. هنر و معماری، (۶۰)، ۶۵-۱۲.
- خرقانی، حسن (۱۳۸۸). *قرآن کریم چشمه سار زیبایی‌شناسی*. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، (۳)، ۶۸-۷۸.
- رفیقدوست، رضا (۱۳۸۷). *درآمدی بر شناخت وجوه زیبایی در قرآن با تاکید بر تجلی جمال توحیدی در صفات شهر اسلامی*. پژوهش‌های دینی، ۲۳-۱۰.
- سیدی، سید حسن و خلف، حسن (۱۳۹۲). *تحلیل زیبایی‌شناختی تصویرهای هنری در قرآن* (مطالعه موردی سوره فصلت). *پژوهش‌های ادبی قرآنی*، (۲)، ۱۱۷-۱۴۲.
- صدر المتألهین، شیرازی (۱۳۶۳). *اسفار*. ج ۱، دارالاحیاء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب اسحاق (۱۳۶۵). *الکافی*. چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- هاسپرز، جان واسکراتن، راجر (۱۳۷۹). *فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی*. ترجمه یعقوب آژند، انتشارات دانشگاه تهران.
- هاشم نژاد، حسین؛ نعمتی، جواد (۱۳۹۰). *زیبایی‌شناسی در فلسفه صدر المتألهین*. فلسفه، (۳۹)، ۱۶۲-۱۳۷.
- هگل، فردریش (۱۳۶۳). *مقدمه بر زیبایی‌شناسی*. ترجمه محمود عبادیان، تهران: نشر آواز.

واردی، زرین (۱۳۸۶). زیبایی شناسی شیخ الرئیس (نگاهی به زیبایی شناسی در آرای ابن سینا).

اطلاعات حکمت و معرفت، (۱۷)، ۱۷-۱۹

Hamlyn, D. (1987). *A History of Western Philosophy*. Penguin, Baltimore.

Lothian, A. (1999). Landscape and the philosophy of aesthetics: is landscape quality inherent in the landscape or in the eye of the beholder? *Landscape and Urban Planning*, (44), 177-198.

Russell, B. (1961). *History of Western Philosophy*. George Allen and Unwin, London.

Turner, T. (2005). *Garden History, Philosophy and design 2000 BC-2000 AD*. Spon press.